

بسمه تعالی

“ ۲۶۳ آموزه از جادوگران بازار ”

گفتگوی جک د.شواگر با جادوگران بازار نوین

جادوگران بازار الگوهایی هستند که به ما می گویند برای موفقیت در بازار به چه چیزهایی نیاز داریم! موفقیت در بازار هدف ارزشمندی است اما اگر با موفقیت در زندگی همراه نشود بی نتیجه خواهد بود .

بدون تردید بسیاری از معامله گران و فعالان بازار سرمایه کنجکاو و علاقمند هستند که بدانند که این جادوگران چگونه می اندیشند و چطور در باره بازار فکر می کنند .

با خواندن این آموزه ها می توان درس های بسیاری از طرز فکر آنها و راههای موفقیت ، مهارت و انضباط را از این جادوگران آموخت.و با ویژگی های مشترک آنان روبرو شد .

گردآوری : فرشید شیروانی

۱- وقتی توانایی زیان کردن را ندارید دادوستد نکنید

۲- اگر سرمایه تجاری برایتان مهم باشد ، محکوم به انجام تعدادی اشتباهات مهلک می شوید تعدادی از بهترین فرصت های تجاری را از دست می دهید ، زیرا آنها با ریسک بالایی توامان هستند.

۳- نگرانی بیش از اندازه نسبت به زیان ، شما را در موقعیت زیان ننگه می دارد چون ترس سبب تردید شما می شود .

۴- تجارت با پولی که می ترسید آن را از دست بدهید منجر به عواطف منفی می شود که بر تصمیم گیری شما اثر می گذارد و نهایتا شکست تان را تضمین می کند.

۵- بازارها معمولا اکثر معامله گران را غافلگیر می کند .

۶- بردباری عنصری است که بازرگانان بسیاری برآن تاکید دارند و برای موفقیت اهمیت حیاتی دارد .

۷- منتظر می مانم تا ببینم پول در گوشه ای ریخته است و تنها کاری که باید بکنم این است که به آنجا بروم و پول را بردارم و در این مدت هیچ کاری دیگر نمی کنم .

۸- خود را مجبور می کردم تا به اندازه ای صبر کنم که معامله ای پیش بیاید که خیلی جلب توجه کند به طوری که نتوانم از گرفتن آن سرباز زنم ، بدین گونه احتمال موفقیت خود را بالاتر بردم .

۹- گوش دادن به عقاید دیگران در باره دادوستد کار اشتباهی است .

۱۰- کار از آنجا آغاز شد که حریص شدم و به دنبال راهی آسان بودم که برخی از ضررهایم را با پیروی از تحلیل دیگری جبران کنم .

۱۱- در معامله گول حرف دیگران را خوردن ، احمقانه است .

۱۲- با تن دادن به تصمیم گیری معاملات فردی دیگر، روشی برای مدیریت ریسک نخواهید داشت .

۱۳- بازار یک مجری قانون سخت است که بی رحمانه و بی تردید جریمه های سنگینی را بابت همه تخلفات می گیرد .

۱۴- هر کسی چیزی را که بخواهد ، از بازار دریافت می کند.

۱۵- مجبور نیستید همیشه در بازار بمانید . اگر حس معامله کردن ندارید یا به هر دلیلی فکر می کنید معامله کردن اشتباه است معامله نکنید . برای اینکه بتوانید در بازار سود کنید باید اعتماد به نفس و همچنین میل به این کار داشته باشید .

۱۶- اگر نمی توانید ضرری اندک را بپذیرید ، دیر یا زود مجبور خواهید شد بزرگترین ضرر را تجربه کنید .

۱۷- بازار سهام و اوراق بهادار در برابر بازار ارز ، قطره ای در برابر دریا هستند .

۱۸- از دست دادن یک فرصت ، به اندازه معامله در خلاف جهت بازار بد است .

۱۹- چیزی که اهمیت دارد این است که بتوان ارزیابی کرد در یک زمان خاص بازار بر چه چیزی تکیه دارد.

۲۰- در یک زمان خاص لزوما تحلیل دیگران مانند تحلیل شما نیست و خیلی مهم است که به این نکته توجه داشته باشید باید به اخبار دسترسی داشته باشید و بدانید که تکیه بازار کجاست .

۲۱- دقت داشته باشید ما مقدار زیادی پول خرج کرده ایم و روی عملیات داخل شرکت خود کلی فکر کرده ایم . ما اقدامات بدون شکست زیادی انجام داده ایم تا اطمینان یابیم که اشتباه نمی کنیم .

۲۲- همیشه به طور دقیق بدانید کجا قرار دارید بیش از اندازه پول خود را بر روی یک دادوستد بزرگ یا گروهی از معاملات که همبستگی بسیاری باهم دارند متمرکز نکنید.

۲۳- هنگامی که شما پیاپی ضرر می کنید توانایی درک و تحلیل داده ها در شما مختل می شود و این به خاطر نبود عامل اعتماد به نفس است که ناشی از همین سلسله ضررهاست . باید سخت بکوشید تا اعتماد به نفس تان را به دست آورید و کاهش حجم معاملات در رسیدن به این هدف ، به شما کمک می کند .

۲۴- باید با حجمی معامله کنید که اگر زمان سنجی درستی نداشتید سرمایه تان را از دست ندهید .

۲۵- فکر نمی‌کنم که اگر بر روی اینکه بیشتر از ۵۰ درصد اوقات، تحلیل تان درست است حساب کنید همواره معامله‌گر موفق باشید. باید راهی بیابید که تنها با ۲۰ تا ۳۰ درصد تحلیل درست بتوانید سود کنید.

۲۶- هنگامی که نمی‌دانید چه چیزی در حال رخ دادن است کار درستی نیست که بخواهید معامله تان را بازبگذارید اصلا عاقلانه نیست.

۲۷- بهترین معامله‌گران.. واقعا باهوش اند و همگی سخت کوش اند. منظور از سخت کوشی تعهد در کار و تمرکز است. اصلا ربطی به این ندارد که چند ساعت کار می‌کنید. این معامله‌گرها به حرفه‌شان متعهدند آنها پیش بینی می‌کنند، پیش بینی خود را ارزیابی می‌کنند اطلاعات جمع‌آوری می‌کنند و آن اطلاعات را ارزیابی می‌کنند آنها پیوسته از خودشان می‌پرسند من چه کاری را درست انجام می‌دهم؟ چه کاری را نادرست انجام می‌دهم؟ چگونه می‌توانم نقطه قوتم را ارتقا دهم؟ چگونه می‌توانم اطلاعات بیشتری کسب کنم؟ وبه گونه‌ای در کارشان وسواس به خرج می‌دهند.

۲۸- شجاعت خصوصیت دیگر معامله‌گران است. نه اینکه فقط بینش کافی داشته باشد تا بتواند چیزها را به گونه‌ای ببیند که با دیگران متفاوت باشد. بلکه باید جرات داشته باشد تا به آن جامه عمل بپوشاند و سر حرفش بماند. بیشتر وقت‌ها سخت است که با دیگران تفاوت داشته باشید اما اصولا اگر معامله‌گر موفق باشید این کار را انجام می‌دهید. در داد و ستد "همیشه" نداریم بلکه بسته به شرایط، باید تصمیمات متفاوت گرفت. بسیاری از مردم می‌خواهند بدون تحمل تعهد و سختی یک معامله‌گر موفق بشوند در حالی که همیشه سختی بسیاری را باید متحمل شد.

۲۹- بسیاری از معامله‌گران به بازار به عنوان یک بازی شگفت‌انگیز نگاه می‌کنند، نه یک کار.

۳۰- از این وسوسه که همواره بخواهید کاملا درست عمل کنید دوری کنید.

۳۱- اگر معامله‌ای که بابت آن خیلی نگران هستید، آنقدرها هم که می‌ترسیدید، بد از آب در نیامد، از آن خارج شوید.

۳۲- همیشه ترس وجود دارد، اما به آن عادت می‌کنید.

۳۳- نرخ بر پایه روانشناسی افرادی که در بازار معامله می‌کنند حرکت می‌کند واقعا می‌شود اضطراب، حرص و ترس را در بازار دید. این نوع هیجانات سرانجام به شکلی در سفارشات و حرکت نرخ نمود پیدا می‌کنند.

۳۴- بسیاری از کسانی که می شناختم به همان سرعتی که پول بدست می آوردند آن را خرج می کردند و فرض آنها این بود که می توانند تا ابد به همین میزان پول دریاورند .

۳۵- باید توجه بیشتری هم به این موضوع بکنید که کی وارد بازار می شوید و کی از آن خارج می شوید .

۳۶- نگاه کنید تا ببینید که بازار چگونه به اطلاعات بنیادی واکنش نشان می دهد .

۳۷- من هرگز تلاش نمی کنم که در کف بخرم یا درقله بفروشم . حتی اگر بتوانید کف بازار وارد معامله شوید . ممکن است بازار سال ها در آن وضعیت بماند و سرمایه شما را آنجا معطل کند . پیشنهاد می کنم اصلا پیش از اینکه حرکتی آغاز شده باشد ، وارد بازار نشوید بلکه بهتر است صبر کنید حرکت خوب تثبیت شود و سپس وارد بازار شوید.

۳۸- بخش میانی حرکت نرخ ، همان بخش آسان حرکت است .

۳۹- این کار معامله گران اشتباه است که تلاش می کنند سقف و کف ها را بگیرند زیرا آنها می خواهند پیش بینی خود را زودتر از حرکت بازار قرار دهند .

۴۰- هنگامی که در بازار ضرر ببینم ، از آن خارج می شوم ، اصلا هم مهم نیست که نرخ بازار چیست . به این دلیل خارج می شوم که باور دارم هنگامی که در بازار ضرر می بینید ، تصمیماتی که پس از آن می گیرید ، معمولا عاقلانه نخواهد بود .

۴۱- اگر هنگامی که بازار شدیداً در خلاف جهت پیش بینی شما عمل می کند ، معطل کنید ، دیر یا زود بازنده خواهید شد.

۴۲- هنگامی که از معامله خارج می شوید به تدریج آن را فراموش کنید . اگر نتوانید آن را از ذهن تان بیرون کنید نمی توانید معامله کنید .

۴۳- اصولاً یاد گرفتم که باید از معاملات ضررده ، فوراً خارج شد نه تنها که باید در نظر بگیرید روی یک معامله چقدر می توانید از دست بدهید ، بلکه همچنین باید در نظر بگیرید که ممکن است چند معامله سودده را به خاطر اثر روانی ای که آن معامله ضررده روی شما گذاشته وبه خاطر آن معامله از دست بدهید .

۴۴- برای اینکه افزایشی در بازار رخ دهد، لازم است کسانی که وارد بازار نشده اند و می خواهند خرید کنند وارد بازار شوند.

۴۵- رفتار معامله گران حرفه ای بارفتار معامله گران بی تجربه بسیار تفاوت دارد.

۴۶- بدترین چیزی که می تواند در بازار برای شما رخ دهد، این است که درست قضاوت کنید اما ضرر بدهید.

۴۷- شما باید همواره خودتان را با تغییرات وفق دهید.

۴۸- هر معامله گری، معاملات ضررده و سودده دارد. هنگامی که از این معاملات سر در آوردید، می توانید با دقت بیشتری معاملاتتان را انتخاب کنید و از انجام معاملاتی که احتمال ضرر بیشتری دارند، پرهیز کنید.

۴۹- برای هر معامله گری پیش می آید که هرازگاهی حس و حال خیلی خوبی نداشته باشد.

۵۰- هنگامی که خوب معامله می کنید، وضعیت روانی بهتری دارید، اما هنگامی که معاملاتتان به خوبی پیش نمی رود، به امید و آرزوهای بی خود رو می آورید و به جای اینکه وارد معاملاتی شوید که فکر می کنید سود ده اند، وارد معاملاتی می شوید که امید دارید سودده باشند.

۵۱- هر معامله گرسرانجام به شیوه معاملاتی ای دست می یابد که با ویژگی های شخصیتی اش سازگار است.

۵۲- گاهی افراد به این خاطر ضرر می کنند که درست انتخاب نمی کنند اگر یک معامله گر تحلیل می کند، اما باز هم سود نمی کند، احتمالاً باید روش دیگری را پیش بگیرد.

۵۳- یک معامله گر باید روشی را انتخاب کند که با آن راحت است یعنی روشی که با شخصیت فرد تناسب دارد.

۵۴- هر معامله گر باید بازار مناسب خود را انتخاب کند مشخص کند که می خواهد با یک سیستم معاملاتی کار کند یا ترجیح می دهد که براساس قضاوت های شخصی اش معامله کند روش بنیادی را می پسندد یا روش تکنیکال.

۵۵- معامله گرانی هستند که خیلی مایل اند استراتژی های بلند مدت طراحی کنند اما در عوض در کوتاه مدت معامله می کنند چراکه صبور نیستند و همواره دوست دارند "یک کاری انجام دهند".

۵۶- افراد ذاتا به یک روش معاملاتی تمایل دارند ، اما عاقبت روش مخالف آن را در پیش می گیرند، که این کار معمولا برای ارضای برخی نیازهای هیجانی است بعبارت دیگر شاید نیاز به ایجاد تناسب میان شیوه معاملاتی و ویژگی های شخصیتی امری معقول ومنطقی باشد اما رایج نیست .

۵۷- اگر بازار به تعداد زیادی خبر منفی ، اعتنایی ندارد نتیجه می گیرم که این واکنش ، نشان دهنده یک حرکت افزایشی قریب الوقوع است .

۵۸- ماهیت نرخ ها براساس حدس وگمان است .

۵۹- به نتایج خیلی شکاک باشید هر چه یک سیستم خوب هم به نظر بیاید باید برای اثبات خلافش سخت گیرتر باشد . این کار بسیار با طبیعت انسان ناسازگار است . انسان مایل است کاری کند که عملکرد تاریخی یک سیستم را تا آنجا که ممکن است خوب نشان دهد.

۶۰- کارل پوپر: بیشتر پیشرفتی که در دانش حاصل شده ، از تلاش برای ردکردن نظریات مان به دست آمده ، نه برای اثبات آنها.

۶۱- در زمینه معاملات تمام تلاش تان را بکنید تا نتایجی را که بدست آورده اید رد کنید . سعی کنید به هر مشکلی که سیستم تان دارد یا هر جای آنکه به نظر می رسد مشکوک باشید . فکر کنید اگر صادقانه تلاش کنید تا با رد سیستم تان آن را به چالش بکشید آنگاه شاید ، تنها شاید بتواند سیستم معتبر می شود.

۶۲- چشمی که با الگوها خوگرفته باشد ، آنها را در همه جا می بیند.

۶۳- ما بی طرفانه به الگوها نگاه نمی کنیم ، یعنی هنگامی که چشم انسان نگاهی گذرا به نموداری می اندازد ، به همه داده ها ، وزن یکسانی نمی دهد . بلکه روی مواردی که توجهش را جلب می کند وبسیار توی چشم هستند تمرکز می کند وما هم بیشتر بر پایه این موارد خاص نظریه پردازی می کنیم .

۶۴- سرشت بشر این گونه است که موفقیت گیج کننده یک روش را می بیند وضررهایی را که روزانه به او وارد می کند و او را از پای در می آورد نادیده می گیرد.

۶۵- این تمایل به یافتن الگوها ، همان ویژگی عجیبی است که باعث می شود افراد متقاعد شوند که خرافات ، طالع بینی وپیش گویی چیزهای درستی هستند . نتایج موفقیت آمیز هم خیلی بیشتر از شکست ها ، توجه را به خود

جلب می کنند هنگامی که پیشگویی یک پیشگو، درست از کار درآمد فرد تمایل پیدا می کند مواردی را که پیش بینی، نادرست یا مبهم بوده، فراموش کند.

۶۶- نباید همه سرمایه تان را روی یک معامله بگذارید و کاملاً هم کار اشتباهی است که روی برخی معاملات، بیش از دیگر معاملات، سرمایه گذاری کنید.

۶۷- ذهن انسان تمایل دارد حتی جاهایی هم که الگو وجود ندارد، الگو بیابد.

۶۸- از دست دادن یک معامله مهم، از انجام یک معامله بد خطایی بسیار بزرگتری است.

۶۹- اصولاً اگر معامله خوبی را از دست بدهید چیزی وجود ندارد که از شما حمایت کند یعنی هیچ چیزی در سیستم وجود ندارد. که به شما اطمینان دهد که سرانجام می توانید وارد معامله شوید همچنین از دست دادن یک معامله خوب می تواند دلسرد کننده باشد مخصوصاً هنگامی که در دوره ضررده باشید.

۷۰- بهتر است که وقت تان را روی ایده ی خودتان بگذارید.

۷۱- اصولاً اگر کسی زمان و هزینه کافی روی ساخت یک سیستم صرف کرده باشد ترجیح می دهد که آن را استفاده کند، نه اینکه آن را بفروشد.

۷۲- همیشه انسان وسوسه می شود که معاملات خوب را براساس سست ترین دلایل ببیند.

۷۳- ویلیام آکهارت: نمی توانم بپذیرم که ما تنها به این خاطر که از سفر و کربن ساخته شده ایم می توانیم کارهایی بکنیم که از سیلیکون و مس بر نمی آید و از آنجایی که ابزارهای سایبری فاقد بسیاری از محدودیت ها هستند که بشر با آنها رو به روست، روزی خواهد رسید که از انسان هم بهتر معامله کنند شک ندارم روزی می رسد که بهترین معامله گر جهان یک ماشین خودکار باشد.

۷۴- احتمال تجربه موفقیتی که تنها بر پایه شانس ادامه پیدا کند می توان گفت که صفر است.

۷۴- بیشتر سیستم ها بی ارزش هستند چون فقط سازگاری بیش از حدی با اطلاعات گذشته دارند.

۷۶- برای داد و ستد و معامله، هوش متوسط برای این کار کافی است؟ ویژگی های احساسی از آن مهم تراند

۷۷- در کل گرایشی در بازار وجود دارد که سرمایه از بیشتر افراد کسر شود و به اندک برسد آنگاه در دراز مدت اکثریت افراد سرمایه شان را از دست می دهند. نتیجه ای که از این بحث می توان گرفت که به درد معامله گران بخورد این است که برای سود بردن در بازار باید به مانند اقلیت رفتار کرد. اگر عادت رایج و گرایش های طبیعی انسان را وارد داد وستد کنید، جزو آن اکثریت خواهید شد و طبیعتاً ضرر خواهید کرد.

۷۸- اگر یک معامله گر سودهایش را بگیریید و با ضررهایش بازی کند؛ محکوم به شکست است.

۷۹- یک عقیده معروف وجود دارد که کاملاً اشتباه است: با گرفتن سود، ورشکسته نمی شوید. اما این کار دقیقاً چیزی است که به خاطر آن، بسیاری از معامله گران ورشکست می شوند. تازه کارها با پذیرفتن ضررهای بزرگ ورشکست می شوند و حرفه ای ها با گرفتن سود های اندک.

سرشت بشر اینگونه است که نمی گذارد که سود به حداکثر برسد، بلکه دوست دارد که احتمال سود را افزایش دهد. میل به حداکثر رساندن معاملات سودده (یا به حداقل رساندن تعداد معاملات ضررده) به ضرر معامله گراست. تعداد معاملات سودده کم اهمیت ترین آمار عملکرد است و حتی ممکن است با عملکرد رابطه عکس داشته باشد.

۸۰- "میل خلاف روند" گرایش دیگری است که موفقیت در دادوستد را از بین می برد مردم می خواهند که ارزان بخرند و گران بفروشند این میل باعث می شود که خلاف روند عمل کنند اما مفهوم ارزانی و گرانی باید پایه و اساس داشته باشد. مردم بیشتر نرخ هایی را که به آنها عادت دارند، عادی و نرخ هایی را که در این سطوح نیستند نرخ های نامناسب می دانند این طرز فکر باعث می شود که بر خلاف یک روندی که در حال پدید آمدن است معامله کنند آنها فرض را بر این می گذارند که سرانجام نرخ به حالت طبیعی (به نظر خودشان) باز خواهد گشت و فاجعه از این جا شروع می شود.

۸۱- کسانی (معامله گران) که موفق می شوند، نمی گذارند وضعیت بدشان بدتر شود، یعنی نمی گذارند که معاملات بد آنها را از لحاظ هیجانی بی ثبات کرده و آنها را مجبور کند که معاملات بد بیشتری اجرا کنند. همچنین، می توانند درد ضرر کردن را احساس کنند. اگر نتوانند درد را احساس کنید، مثل کسانی خواهید بود که حسگر درد ندارند. در این دنیا بدون درد نمی توان به زندگی ادامه داد. به طریق مشابه، در بازار نیز، اگر درد ضرر کردن را حس نکنید احتمال بقای مالی شما بسیار کم خواهد بود.

سال های نخستینی که معامله کردن را آغاز می کنید اهمیت بسیاری دارد. اگر با سرمایه ای بسیار ناچیز وارد بازار شوید و احساس کنید که می توانید ضرر کنید بسیار موقعیت بهتری خواهید داشت تا کسی که با پول زیاد وارد شود چرا که هنگامی که ضرر می کردند دردی حس نمی کردند.

۸۲- از بسیاری جهات ، سودهای کلان ، نسبت به ضررهای کلان به مراتب بیشتر وضعیت هیجانی انسان را متزلزل می کند . دل نبستن به سودهای کلان خیلی مهم است . هنگامی که پشت سر هم موفق می شوید وسوسه می شوید که فکر کنید کار خاصی انجام می دهید که به شما امکان می دهد خیلی سریع پیشرفت کنید . به تدریج فکر می کنید که میتوانید با دقت کم ، تصمیم گیری کنید می توان تصور کرد که پس از آن چه اتفاقی می افتد بعنوان یک قاعده کلی ، ضررها شما را قدرتمند و سودها شما را ضعیف می کند.

۸۳- تندی حرکت نرخ نشان می دهد که پویایی بازار ناگهان افزایش یافته است بنابراین حتما سودی هم که راحت بدست آمده ، ممکن است از بین برود.

۸۴- هر گاه دارید ضرر می کنید فکر کردن به اینکه شاید بازار در حال انجام حرکت اصلاحی باشد شما را آرام می کند نباید چنین کاری کنید . از سوی دیگر هرگاه سود هنگفتی بدست آورده اید و فکر کردن به حرکت اصلاحی شما را آزار می دهد باید پیش از هر چیز به حرکت اصلاحی فکر کنید.

۸۵- اگر نرخ حرکت کند و به نقطه حد ضرر شما برسد نباید فکر کنید که حرکت بازگشتی تر حال رخ دادن است . این یک نمونه از فکر های امید بخش است که معامله گر را وا می دارد مجال بیشتری به ضررهایش بدهد . البته ممکن است واقعا در حال بازگشت باشد . اما هنگامی که زمان خروج فرا رسیده است ، نباید دیگر چنین فکری بکنید.

۸۶- اگر برای ارضای هیجانانوار این کار شوید محکوم به شکست خواهید بود زیرا چیزی که به نظر خوش آید می آید معمولا اشتباه است .

۸۷- باید از همان ابتدا مشخص کنید که آیا برای تفریح وارد این کار شده اید یا برای موفقیت . حال اگر معیار موفقیت تان پول یا هر چیز دیگری باشد برای برنده شدن در دادوستد با هدف رسیدن به موفقیت ، معامله کنید.

۸۸- به این فکر نکن که بازار قرار است چه رفتاری بکند ، به هیچ وجه روی آن کنترل نداری . به این فکر کن که اگر به فلان نقطه رسید ، چه کار خواهی کرد.

۸۹- هیچ گاه به موقعیت های خوبی که بازار در جهت پیش بینی شما در حال حرکت است ، فکر نکنید ، چرا که در چنین موقعیت هایی ، نیاز نیست که هیچ کار دیگری انجام دهید . در عوض به چیزهایی فکر کنید که به رخ دادن آنها کمترین علاقه را دارید و به این بیندیشید که در چنین حالتی ، چه کار باید انجام بدهید .

۹۰- اکثریت مردم حتی از کسی هم که کاملا تصادفی معامله می کند ، بدتر معامله می کنند .

۹۱- هر کسی که مدتی در بازار معامله کرده است به تدریج به این فکر می رسد که بازار ویژگی های شخصی دارد خیلی وقت ها این حس به شما دست می دهد که می خواهد مچ شما را بگیرد ، که در واقع به گونه ای انسان نمایی این فرآیند است . بازار شبیه به مربی ای است که می کوشد روش های ضعیف معامله کردن را به تدریج معرفی کند. بیشتر مردم این درس را خیلی خوب یاد می گیرند.

۹۲- بازار دوست دارد که با دادن احساس امنیت کاذب نسبت به روش هایی که میزان موفقیت بالایی دارند و در درازمدت ضررهای سهمگینی می دهند دل شما را خوش کند . درکل چیزی که بیشتر وقت ها جواب می دهد تقریبا در تضاد با چیزی است که در درازمدت نتیجه مثبت می دهد.

۹۳- مردم معمولا یک برد قطعی را به خطر کردن برای چیزی که بازدهی بیشتری می تواند داشته باشد ترجیح می دهند.

۹۴- جلوی پیشرفت ضررهای تان را وقتی که اندک اند بگیرید و بگذارید سودهایتان رشد کند.

۹۵- نگرانی بیش از حد معامله گران نسبت به معاملات کنونی خود ، نمونه ای دیگر از تاثیر مخرب روی آوردن به کارهای راحت است . فرد پیش از اینکه سودهایش به هدفی که برایشان از پیش تعیین شده برسد آنها را نقد می کند چرا که می ترسد بازار آن سودها را از او بگیرد.

۹۶- بسیاری از اوقات ، نتایج عالی نتیجه یک روش خطا و غیر معقول است .

۹۷- طراحان سیستم تنها زمانی نتایج کارشان را بپذیرند که هرکاری را که می توانسته اند در جهت رد آنها انجام دهند ، انجام داده باشند.

۹۸- میل به انجام کارهای راحت در واقع باعث می شود که بیشتر افراد نتایجی را تجربه کنند که حتی از نتایج تصادفی در بازار هم بدتر باشد.

۹۹- بیشتر مردم تنها به این خاطر ضرر نمی کنند که مهارت لازم را ندارند که از حالت تصادفی بهتر معامله کنند بلکه همچنین به این دلیل می بازند که خصوصیات طبیعی انسان آنها را در دام الگوهای رفتاری خاصی گرفتار می کند که منجر به نتایجی می شوند که حتی از حالت تصادفی هم بدتراند.

۱۰۰- غرایز طبیعی ما را در دادوستد گمراه می کنند بنابراین برای اینکه یک معامله گر موفق شویم این است که رفتارهای مان را از نو برنامه ریزی کنیم تا بتوانیم کارهای درست را انجام دهیم نه کارهایی که احساس خوبی را به ارمغان می آورند.

۱۰۱- به رفتاری که بازار ممکن است انجام دهد اهمیتی ندهید به این اهمیت بدهید که در واکنش به بازار چه کار انجام خواهید داد .

۱۰۲- برای کسی که می خواهد در بازار موفق بشود مهم ترین عامل داشتن برنامه است . داشتن برنامه باعث ایجاد نظم می شود که از اجزای اساسی موفقیت در دادوستد است و دوم اینکه به شما یک معیار می دهد که با آن می توانید عملکرد خود را بسنجید .

۱۰۳- اگر در درازمدت از قواعدتان پیروی کنید احتمال موفقیت تان بالا می رود و می توانید دوباره به پیشروی خود ادامه دهید اما در کوتاه مدت ، پیروی از برنامه معاملاتی مهم تر از نوسانات کوتاه مدت سرمایه است .

۱۰۴- دانستن تفاوت میان ترس و احتیاط در برابر بازار بسیار اهمیت دارد . اگرچه احتیاط کردن برای حفظ سرمایه ضروری است . اما اگر از ضرر کردن بترسید موفق نخواهید شد . ترس شما را از تصمیم گیری های درست باز می دارد.

۱۰۵- برخی از مردم کفش می سازند ، برخی هم خانه می سازند ما هم درآمد سازی می کنیم و مردم هم بسیار مشتاق اند که پول بسیاری را به ما بدهند تا برایشان این کار را بکنیم .

۱۰۶- واقعا تالار برای سریع یاد گرفتن جای بسیار خوبی است بعد از مدتی به ثبات می رسید اما هنگامی که تازه وارد کار شده اید ، برای شروع بسیار جای مناسبی است چرا که معامله گران بسیاری در آنجا هستند .

۱۰۷- اگر کسی نداند چه کار دارد می کند ، سریع پول از دست می دهد.

۱۰۸- مردم ترجیح می دهند حد ضررشان را بیشتر درست بالای سقف یا زیر کف روز قبل بگذارند .

۱۰۹- زنگ خطری را تعیین می‌کنم که هر گاه به صدا در آمد معامله ام را تسویه می‌کنم .

۱۱۰- بازار همواره به اعداد رند می‌رسد بنابراین بهترین جا برای ورود به بازار پیش از رسیدن آن به این اعداد است و می‌توان در چنین مواقعی کاری را انجام داد که من به آن " اثر آهن ربا " می‌گویم .

۱۱۱- هرگاه قیمت به سمت بالا حرکت کند از هر کسی که در اتاق معاملات کار می‌کند بخواهید که با کارگزارهای مختلف تماس بگیرند و به میزان سروصدای آنها گوش دهند دقت کنند تا ببینند ، میزان هیجان آنجا چقدر است . معاملات با چه حجمی انجام می‌شوند . اگر خیلی سروصدایی آنجا نباشد و حجم سفارش ها کوچک باشد آنگاه معامله هایم را می‌بندم . چراکه ممکن است بازار برگردد اما اگر خیلی شلوغ باشد و معاملات سنگینی انجام بپذیرند ، ترجیح می‌دهم که معامله ام را نگه دارم .

۱۱۲- نقدینه ترین زمان ، باز شدن بازار است . پس از آن خیلی سریع نقدینگی کاهش پیدا می‌کند دومین دوره ای که نقدینگی بالایی دارد زمان بسته شدن بازار است . در واقع حجم معاملات در روز ، یک منحنی " U " شکل را ایجاد می‌کند. دقیقا هنگام باز شدن بازار نقدینگی بسیار زیاد است . سپس کاهش می‌یابد و در نیمه روز به پایین ترین حد خود می‌رسد و سپس دوباره شروع به بالا رفتن می‌کند و هنگام بسته شدن ، نقطه اوج دومی را تشکیل می‌دهد.

۱۱۳- حتی افراد هم می‌توانند بازار را حرکت دهند .

۱۱۴- پژوهش خوبی انجام دهید تا موقعیت بهتری داشته باشید .

۱۱۵- به محض اینکه از معامله کردن لذت نبردم یا به این نتیجه رسیدم که نمی‌توانم سود کنم این کار را رها خواهم کرد.

۱۱۶- بازار خیلی سریع تغییر می‌کند . خیلی از الگوهایی را که قبلا براساس آنها معامله می‌کردم ، اکنون از بین می‌روند چرا که افراد نیز به تدریج از آنها آگاه می‌شوند.

۱۱۷- ترجیح می‌دهیم که هم شیوه های معاملاتی مان را تنوع به بخشیم و هم در زمان تنوع ایجاد کنیم .

۱۱۸- بازار انسان نیست و تلاش نمی‌کند که مرا عصبانی کند سعی می‌کنم که عصبانیتم را تا آنجا که می‌توانم کنترل کنم چرا که اگر کسی بخواهد معامله گر خوبی باشد باید بتواند احساساتش را کنترل کند.

۱۱۹- همیشه اطمینان حاصل می‌کنم که کارها را به گونه‌ای انجام دهم که فردا هم بتوانم کار کنم.

۱۲۰- باید به دنبال راهی باشید که از دیگران پیشی بگیرید بهتر است که میان معامله بر پایه قضاوت شخصی و معامله بر اساس سیستم، حد وسطی را دنبال کنید.

۱۲۱- می‌توانید با کمک گرفتن از قضاوت شخصی خود در ورود و خروج از معاملات خود کمک بگیرید.

۱۲۲- در واقع هر چه بهتر عمل کنیم، با حجم بیشتری معامله خواهیم کرد و هر چه وضعیت بدتر شود با حجم کمتر.

۱۲۳- میان میزان اطمینان و موفقیت در داد و ستد همبستگی قوی وجود دارد اما به هیچ وجه همبستگی کاملی وجود ندارد برخی افراد این اطمینان را دارند. اما اگر کسی ابزار پیشرفت را نداشته باشد، اصلاً اهمیتی ندارد که اطمینان داشته باشند یا نداشته باشند، به هر حال ضرر خواهد کرد.

۱۲۴- همه معامله گرهای خوب به توانایی خود در معامله اطمینان دارند.

۱۲۵- یک معامله گر موفق، منطقی، تحلیل گر، و عمل گراست و می‌تواند هیجانانگیز خود را کنترل کند. همچنین یک معامله گر موفق، مایل به کسب سود است.

۱۲۶- تصورات غلط مردم از بازار: باور دارند که می‌توان با کار خیلی کم، پول پارو کرد. فکر می‌کنند با اندکی تحقیق در تعطیلات آخر هفته می‌توانند سالانه ۱۰۰ درصد بازگشت داشته باشند. واقعاً مسخره است.

۱۲۷- برخی هنگامی که ضرر می‌کنند هر کسی را به جز خود سرزنش می‌کنند. اگر پولی را از دست دادید مسئولیتش با خودتان است.

۱۲۸- اشتباهات در بازار: بسیاری از افراد بدون هیچ اطلاعاتی وارد بازار می‌شوند. به این خاطر وارد بازار می‌شوند که کارگزارشان به آنها گفته است که بازار افزایشی است. اینکه اطلاعات نیست. اما واقعیت این است که بیشتر معامله گران به اندازه کافی دوام نمی‌آورند.

۱۲۹- برای اینکه معامله گر موفق باشید باید تمام وقت کار کنید برای هر چیز خوبی در زندگی باید هزینه‌ای پرداخت.

- ۱۳۰- برای سودآوری در بازار ، مزیت و برتری داشته باشید ممکن است مدیریت سرمایه خوبی داشته باشید اما رویکردی نداشته باشید که برایتان مزیت داشته باشد ، نمی توانید ببرید.
- با فرض مزیت و برتری باید کنترل ریسک شدیدی را درپیش بگیرید که شما را در برابر رخدادهای نادری که باعث حرکات ناگهانی و بزرگ در بازار می شوند ، شما را محافظت کند.
- ۱۳۱- وقتی به تالار بورس می روید ، می فهمید از همه اقشار آدم آنجا هستند . لازم نیست دانشمندی بزرگ باشید تا معامله گر شوید. تحصیلات رسمی واقعا خیلی با مهارت فرد در دادوستد ربطی ندارد.
- ۱۳۲- در هر کاری که بتوان به آن سرعت پول را از دست داد همین طور می توان آن را به همان سرعت بدست آورد.
- ۱۳۳- هر چه زمان پیش بینی دورتر باشد ، دقت پیش بینی به شدت کاهش می یابد.
- ۱۳۴- باید از آنچه که از بازار بدست می آوردید ، راضی باشید . اگر خیلی سود به دست نیاوردید ، بدون بی میلی با سودی اندک از بازار خارج شوید.
- ۱۳۵- بخشی از فرآیند دادوستد ، این است که پیش از دست به کار شدن ، کمی شرایط را سنجیده و سبک و سنگین کنید . اگر زمان سنجی ورودتان به اندازه کافی خوب باشد حتی اگر هم اشتباه کنید ، پول زیادی از دست نخواهید داد.
- ۱۳۶- برخی از بهترین معاملات هنگامی پیش می آیند که همه ترسیده اند . عموم معمولا در بازار بدون فکر عمل می کنند .
- ۱۳۷- سعی نکن که در یک معامله بد سود به دست بیاوری تنها تلاش کن که بهترین جا را برای خروج پیدا کنی .
- ۱۳۸- هنگامی که که از بازار خارج شدی ، به راحتی می توانی دوباره وارد شوی . اگر با نرخ بیشتری دوباره خریدی ، تنها به آن بعنوان معامله ای جدید نگاه کن .
- ۱۳۹- پیشگام ها از پشت سر تیر می خورند .

۱۴۰- بهتر است که ایده بدی داشته باشید و زمان سنجی تان خوب باشد تا اینکه ایده خوبی داشته باشید و زمان سنجی تان بد باشد .

۱۴۱- فهمیده ام که یک انسان عادی ام و همیشه اشتباه می کنم تنها تلاش می کنم که کمتر آنها را انجام دهم . سریع تر آنها را تشخیص دهم و سریع آنها را اصلاح کنم .

۱۴۲- من دادوستد را بعنوان یک سرگرمی و یک فن یاد گرفته ام مانند هر هنر دیگری ، مانند نواختن یک پیانو ، کمال دست نیافتنی است . هیچگاه یک قطعه را عالی نخواهم نواخت و هیچ وقت در کف نخواهم خرید و در سقف نخواهم فروخت اما اگر هر روز تلاش کنید ثبات دست یافتنی خواهد بود.

۱۴۳- انضباط و تمرکز این دو مهارت برای معامله گر شدن ضروری می باشند

۱۴۴- هم در موسیقی وهم در دادوستد ، بهترین عملکرد را هنگامی خواهید داشت که آسوده خاطر باشید و در هردوی این مهارت ها باید هرچه را که پیش می آید ، بپذیرید

۱۴۵- داد و ستد بیش از هر کار دیگری ، عمل گرایانه است .

۱۴۶- زن ها بیشتر بر اساس احساسات درونی شان عمل می کنند . مطمئنا احساسات درونی نیز وارد بازی دادوستد می شوند.

۱۴۷- یادگیری بازار می تواند سالها به طول بیانجامد. تا آنجا که می توانید به معامله گرهای موفق نزدیک شوید ، به کار کردن رایگان برای یکی از آنها نیز فکر کنید.

۱۴۸- هیچگاه از بازار نترسید . هیچگاه از اشتباه کردن نهراسید اگر اشتباه کردید با هیچ کردن معامله تان را پیچیده نکنید خیلی ساده خارج شوید .

۱۴۹- فعالانه خود را با بازار درگیر کنید .

۱۵۰- هیچگاه حریص نشوید . اصلا اشکالی ندارد که پول خود را رها کنید و دنبال معامله دیگری باشید.

۱۵۱- یک معامله گر کسی است که کار خودش را انجام می دهد، برنامه منحصر به خودش را دارد و خودش تصمیم می گیرد و تنها با عمل و تفکر مستقیم است که یک معامله گر می تواند تشخیص دهد که چه زمانی یک معامله خوب از آب در نخواهد آمد.

۱۵۱- اگر یک وقت دیدید که وسوسه شده اید ایده معاملاتی کسی دیگری را دنبال کنید . این کار معمولاً نشانه قوی ای خواهد بود که باید از معامله خارج شوید.

۱۵۲- یکی از ویژگی های پایه ای و مشترک در همه معامله گران احساس اطمینان نسبتاً قوی ای است که به توانایی خود در رسیدن به موفقیت دارند.

۱۵۳- اعتماد بالا یکی از عوامل ضروری برای رسیدن به موفقیت استثنایی در دادوستد و به باور من در هر کار دیگری است .

۱۵۴- ویژگی های اساسی معامله گران : متکی بودن بر خود در طرح ایده ها و گرفتن تصمیمات معاملاتی ، تمایل به پذیرش ریسک ، توانایی اصلاح فوری اشتباهات و صبر ، صبر ، صبر

۱۵۵- هر بار که ضرر کنیم ، باید از آن چیزی بیاموزیم و به ضرر، بعنوان هزینه تحصیل در "دانشگاه دادوستد" نگاه کرد . اگر از یک ضرر چیزی یاد بگیرید واقعا نمی توان به آن ضرر گفت .
به ضرر بعنوان مشکل نگاه نکنید و به آنها به عنوان فرصت نگاه کنید که خود را به مراحل بالاتر ارتقا دهید.

۱۵۶- نمی گذاشتم ضررهایم از حدی فراتر برود که نتوانم کنترلی روی شان داشته باشم . مقداری پول در حساب هایم می ریختم که توانایی از دست دادنشان را داشته باشم به گونه ای که اگر پولم را از دست دادم زندگی ام تحت تاثیر قرار نگیرد.

۱۵۷- این مفهوم را در ذهنم شکل داده بودم که هیچگاه معامله ای را انجام ندهم که توانایی ام را در ادامه دادن به کارم ، از من بگیرد . همیشه روی هر معامله به اندازه ای ریسک می کردم ، که می دانستم در صورت نادرست بودن تصمیمم ، باز هم می توانم برگردم و به این بازی ادامه دهم.

۱۵۸- هنگامی که بازار در جهت معامله تان پیش می رود و احساس هیجان و عجله به شما دست می دهد و هنگامی که خلاف شما حرکت کرد ، احساس ناامیدی کنید مسلماً این احساسات شما را معامله گر خوبی نخواهند کرد. فارغ از هر اتفاقی که می افتد روز به روز تلاش کنید که به احساس تعادل دست یابید.

۱۵۹- به هر معامله بعنوان یکی از هزار معامله ای نگاه کنید که در آینده انجام خواهید داد اگر به هزار معامله ای که در آینده انجام خواهید داد فکر کنید هر معامله ای که انجام می دهید ناچیز به نظر خواهد آمد . اگر یک معامله خاص ضررده باشد یا سودده چه اهمیتی دارد ؟ معامله دیگری هم وجود دارد.

۱۶۰- داد وستد را میتوان به فتری تشبیه کرد که هیجانانگیز در آن بالا و پایین می روند و مدام نوسان دارند ، هنگامی که بالا و پایین می رود یک جور هایی ترس آوراست اما سرانجام این فتر کهنه می شود یعنی خستگی وارد عمل می شود و می فهمید که تجربه این نوسانات هیجانی لذت بخش نیست می فهمید که اگر هیجانانگیز خود را به تعادل و یک حد وسط برسانید خیلی تجربه لذت بخشی خواهد بود.

۱۶۱- اگر هنگام هر کاری روی خودتان نظارت کنید و از بیرون به خود نگاه کنید می توانید خود را کنترل کنید .

۱۶۲- دلیلی ندارد به خودتان سختی دهید و برای رسیدن به هدف همه زندگی خود را به زحمت بیاندازید.

۱۶۳- توصیه به افراد دچار استرس : نخست اینکه منطقی به قضایا نگاه کنند هستی به نهایت بزرگ است پیش از اینکه به دنیا بیایید وجود داشته و پس از مرگ تان نیز وجود خواهد داشت اگر کلی به ماجرا نگاه کنید مشکلات تان خیلی مهم جلوه نخواهد کرد. همچنین اگر به زندگی تان مانند یک فیلم نگاه کنید کمک زیادی خواهد کرد.

۱۶۴- اشتیاق ، انرژی ، تمرکز، اهمیت به کار و نظم را یک جا با هم داشته باشید تا بهترین معامله گری شوید که می توانید ، اما هنگامی که توانستید اینکار را بکنید دلخور شدن از جزئیات فایده ای ندارد.

۱۶۵- همیشه اطمینان حاصل کنید که روی بیش از آن مقداری که توانایش را دارید ریسک نکنید.

۱۶۶- اگر داد وستد عامل نگرانی ، ترس ، خستگی ، افسردگی یا عصبانیت است ، حتی اگر از دید رایج موفق هم باشید یک جای کار اشکال دارد ، اگر موفق نشوید که دیگر جای خود دارد از دادوستد لذت ببرید اگر عامل هیجانانگیز منفی باشد ، خواه ناخواه شکستن خورده اید حتی اگر پول هم به دست بیاورید.

۱۶۷- بازارها براساس ویژگی های روان شناختی انسان بنا شده اند و با کشیدن نمودارهای بازارها این ویژگی های روانی را به صورت تصویری در می آورید .

۱۶۸- حتی امروزه نیز بسیاری از تحلیل گر ها نمی دانند چه چیزی باعث می شود که سهام بالا یا پایین برود.

۱۶۹- مهم نیست پیش بینی درست باشد یا غلط . بلکه مهم این است که هنگامی که درست پیش بینی می کنید چقدر سود به دست می آورید و هنگامی که پیش بینی تان نادرست است چقدر پول از دست می دهید.

۱۷۰- مادامی که کنترل شرایط در دست است یعنی تا زمانی که می توانی معامله ای را نقد کنی دلیلی برای نگرانی وجود ندارد.

۱۷۱- برای اینکه واقعا عملکرد خوبی داشته باشید باید از موقعیت های بسیار سودمند حداکثر استفاده را ببرید . برخی اوقات باید واقعا تلاش کرد و نباید به داشته ها اکتفا کرد.

۱۷۲- هنگامی که اشتباه می کنید سریع واکنش نشان دهید.

۱۷۳- توانایی پذیرش حقایق ناگوار (حرکت بازار یا رخدادی که خلاف معامله فرد باشد) و واکنش سریع وبدون فوت وقت از نشانه معامله گرهای بازار است .

۱۷۴- اگر معامله ای خوب جواب نداد ، اطمینان داشته باش که می توانی از معاملات دیگر سودهایی به بدست آوری که معامله ضررده را جبران کنند .

۱۷۵- بازار ، استاد سخت گیری است که به ندرت بی دقتی ای را که ناشی از معاملاتی هستند که در ناامیدی طراحی شده اند تحمل می کند .

۱۷۶- یکی از حقایق اساسی بازار این است که اگر مجبور باشید ببرید ، نمی توانید ببرید.

۱۷۷- برای موفق شدن باید به رویکرد خود ایمان داشته باشید .

۱۷۸- اصولا باید میان امیدی که به یک شرکت دارید و حرکت نرخ ، تعادل برقرار کنید.

۱۷۹- تحلیل تکنیکال در بازاری که کاملا احساسی است دیدی نسبتا غیر احساسی به تحلیل گر ارائه می دهد.

۱۸۰- زمان ورود به معامله خرید سهام معمولا اخبار بنیادی است .

۱۸۱- کسب مهارت در زمینه خرید سهام زمان زیادی می برد

۱۸۲- نسبت E/P در واقع هیجان سرمایه گذاران را نشان می دهد که به صورت گسترده ای از ترس به طمع تغییر می یابد.

۱۸۳- باید سهامی را خرید که حرکت خوبی را انجام داده و قدرت نسبی بالایی دارند . سهامی که دیگر سرمایه گذاران نیز به دنبال آن هستند . من ترجیح می دهم روی سهامی سرمایه گذاری کنم که نرخش در حال افزایش است و این ریسک را بپذیرم که ممکن است شروع به کاهش کند . دوست ندارم سهامی را بخرم که هم اکنون در حال کاهش است و نیاز باشد حدس بزنید که کی مسیرش را عوض خواهد کرد.

۱۸۴- تله ای که بیشتر افراد گرفتارش می شوند ، تلاش برای زمان سنجی بازار است .

۱۸۵- جزای معامله نکردن در روزهای خاص بسیار سنگین است و ذات انسان هم به گونه ای است که آن روزها ، دقیقاً روزهایی هستند که بیشتر مردم در بازار معامله نمی کنند.

۱۸۶- ویژگی های افراد موفق : آنها ذهنی باز دارند و انعطاف پذیرند . همچنین توانایی پذیرش ریسک را دارند چرا که به کاری که می کنند ایمان دارند.

۱۸۷- ذهن مانند یک چتر نجات است . هنگامی کار می کند که باز باشد البته هر کسی باید فلسفه ویژه خودش را ایجاد کند و مفاهیم اصولی معامله گری را با شخصیت خویش سازگار سازد.

۱۸۸- نیچه : چیزی که تو را نابود نکند ، باعث قوی تر شدن ت می شود.

۱۸۹- باید فلسفه معاملاتی خود را درک کرده ، به آن باور پیدا کنید و کاملاً به آن متعهد باشید برای اینکه به چنین شرایطی برسید باید پژوهش های بسیاری را به صورت مستقل انجام دهید . فلسفه معاملاتی چیزی نیست که بتوان از کسی به کس دیگر انتقال داد بلکه چیزی است که خودتان باید با گذاشتن وقت و انرژی به آن دست یابید.

۱۹۰- در استراتژی های موفق معمولاً چیزی وجود دارد که به عقیده بیشتر مردم از لحاظ غریزی ناخوشایند می آید.

۱۹۱- قانون این است : کار درست را انجام بده نه کاری که آسان است .

۱۹۲- حتما نیازی نیست که بیشتر وقت ها درست پیش بینی کنید اما باید حتما از موقعیت‌هایی که پیش بینی تان درست از آب در آمده نهایت استفاده را ببرید و برای دستیابی به این هدف دو کار لازم است :

هنگامی که اعتماد بالایی به یک معامله دارید با حجم بالاتری معامله کنید و دیگر اینکه این معاملات را به اندازه ای باز نگاه دارید که بتوانید بیشترین مقدار سود را به دست آورید .

شرط دوم : اگر شرایط بنیادی و تکنیکال هنوز به نرخ های بالاتر اشاره دارند و سود سهام دو برابر و یا حتی سه برابر شده است نباید سود خود را بگیرید و بایستی با این میل مبارزه کنید این صبر پولادی که برای باز نگه داشتن چنین معاملاتی تا زمان ثمر دهی لازم است یکی از عواملی است که تفاوت میان جادوگران بازار و معامله گران عادی را مشخص می کند .

۱۹۳- ضرر بخش مهمی از این کار است هر بار که ضرری پیش می آید باید آن را در آغوش کشید . با به آغوش کشیدن ضرر و درک واقعی آن ، کمتر نسبت به ضرر احتمالی ، ترس خواهیم داشت .

۱۹۴- فرآیند مرور ضرر احتمالی در ذهن و روبه رو شدن با ضررهای واقعی کمک می کند که با گذشت زمان ، سطح تحمل ریسک م افزایش یابد . بهترین راه برای رویارویی با واقعیت این است که مایل باشم ریسک را در هر سطحی احساس کنم .

۱۹۵- اگر قاعده ای را یک بار نادیده بگیرید بار دیگر تخلف از آن آسان تر خواهد بود . شکستن رژیم غذایی . یک بار آن را بشکنید بار بعد راحت تر استثنا قایل می شوید.

۱۹۶- چرا معامله گران زیان می کنند ؟ نخست اینکه بیشتر معامله گران استراتژی سودآور ندارند دوم اینکه حتی میان کسانی که این چنین استراتژی را دارند بسیاری هستند که از آن پیروی نمی کنند . دادوستد روی نقطه ضعف انسان ها فشار می آورد و گویی که پاشنه آشیل هر فرد را پیدا می کند .

۱۹۷- ویژگی های یک معامله گر خوب : داشتن ذهنی مستقل است همچنین مهم است که ترکیبی از جنبه هنری و جنبه عملی کار را به وجود آورد.

جنبه هنری کار برای این است که استراتژی های معاملاتی را کشف ایجاد کنید . جنبه علمی هم برای این لازم است که آن ایده ها را به قواعد خشک معاملاتی تبدیل کنید و آنها را به کار بگیرید .
احتمالاً کم است که رویکرد فردی دیگر با ویژگی های فردی دیگر هم خوانی داشته باشد . معامله گران موفق سیستم شان را نمی فروشند .

۱۹۸- بازارها واقعا بیشتر وقت ها تصادفی هستند و بیشتر افراد نمی توانند آنها را زمان سنجی کنند یا شکست دهند شاید بیشتر مردم باور داشته باشند معامله کردن یک هنر است .

۱۹۹- توانایی عوض کردن دیدگاه ، شاید مهم ترین ویژگی یک معامله گر موفق باشد . اگر فردی متعصب و متحجر باشد شاید هرگز نمی تواند در بازار موفق باشد.

۲۰۰- بازار فرآیندی پویاست و برای موفقیت پیاپی باید همگام با تکامل بازاراسترا تژی ها را اصلاح کرد یا حتی تغییر داد .

اصولا راه میانبری وجود ندارد هر معامله گری باید راه حل منحصر به فردش را برای حل معمای بازار پیدا کند . قواعد معاملاتی خود را حفظ کنید و سپس از آنها پیروی کنید.

۲۰۱- معامله گری اصلا قمار نیست . اصطلاح قمار یعنی ریسکی را بپذیرید آن هم در حالی که شرایط به نفع تان نیست .. معامله موفق نیاز به فکر کردن دارد ، نه قمار . معامله موفق یعنی اینکه هنگامی که اوضاع به نفع تان است ریسک کنید .

۲۰۲- حرکات نرخ مانند انسان ها هستند امید به زندگانی ای دارند که از لحاظ آماری اهمیت دارد و می توان برای تعیین میزان ریسک آن را به کار برد.

۲۰۳- در بازاری که در مرحله پیری به سر می برد ، آگاهی از علایم پایان احتمالی روند کنونی اهمیت خواهند داشت .

۲۰۴- وقتی که با بزرگترین حجم ممکن خود معامله می کنید باید معامله تان فوراً سودآور باشد. باید خیلی سریع آماده باشید که جلوی رشد ضرر خود را بگیرید .

۲۰۵- تنها با آموزش دانش داد وستد نمی توان معامله کردن را به افراد آموزش داد. کلید موفقیت در دادوستد انضباط هیجانی است . پول در آوردن به هوش ربطی ندارد اگر هوش عامل اصلی بود افراد بسیار بیشتری از راه داد وستد درآمد زایی داشتند .

فرد باهوش دوست دارد "IQ" خود را بالاتر از رفتار بازار قرار دهد.

۲۰۶- برای اینکه معامله گر موفق شود باید بتوانید اشتباهات خود را بپذیرید . در دادوستد ، کسی که به سادگی می پذیرد اشتباه کرده موفق می شود .

به جز دادوستد ، شاید کار دیگری نباشد که در آن مجبور باشید به اشتباه خود اعتراف کنید .

۲۰۷- در دادوستد ، نمی توانید شکست های خود را کتمان کنید . موجودی حساب تان بازتاب روزانه عملکرد تان است . معامله گری که بخواهد ضررهای بزرگش را گردن وقایع بزرگ بیندازد ، هیچگاه از اشتباهاتش درس نخواهد گرفت . برای یک معامله گر ، توجیه کاری ، مسیری است که بی برو برگرد به شکست منتهی می شود.

۲۰۸- بیشتر افرادی که آموزش می بینند موفق نمی شوند زیرا نمی توانند انضباط هیجانی را کنترل کنند یعنی نمی توانند هیجانات خود را از تصمیمات معاملاتی جدا کنند.

۲۰۹- بیشتر افراد ضرر را ضربه ای به عزت نفس خود می دانند در نتیجه بستن معامله های ضررده خود را به تعویق می اندازند. به هر دلیلی چنگ می زنند که جلوی ضرر را بگیرند و در ذهن خود نقطه ای را برای خروج در نظر می گیرند اما بعد نمی توانند آن را عملی کنند . از برنامه خود تخطی می کنند.

۲۱۰- اگر چیزی یک بار رخ دهد. منطقی می گوید که باز هم ممکن است رخ دهد. رخ دادن هر چیزی ممکن است اما مطمئنا اگر چیزی قبلا رخ داده باشد ، باز هم ممکن است رخ دهد.

۲۱۱- هنگامی که وارد دوره ضرر پیاپی می شوم ترجیح می دهم کتاب های غیر تخیلی بخوانم که چیز جدیدی یاد بگیرم با این کار دو چیز عاید می شود : نخست ذهنم از دادوستد دور می شود. دوم ، افزایش دانشم به تقویت عزت نفسم کمک می کند .

۲۱۲- دوره های جدایی از بازار مفید است چون اگر خسته و کلافه شده اید، کار درستی نیست که به معامله کردن و ضرر کردن ادامه دهید. چون این کار باعث می شود که اعتماد به نفس تان بیشتر ضربه بخورد.

۲۱۳- هنگامی که دچار رکود می شوید صبور باشید و منتظر بمانید موقعیت معاملاتی پیش بیاید که خیلی در باره نظر خود در بازه بازار اطمینان دارید و همچنین با حجم کم معامله کنید . هدف تان نباید کسب پول زیاد باشد بلکه باید با گرفتن تصمیمات درست ، اعتماد به نفس تان را احیا کنید.

۲۱۴- تنها عامل و مهم ترین عامل ضرر افراد در بازارهای سرمایه این است که جلوی رشد ضرر هایشان را نمی گیرند ..این یک نوع کنجکاوای بشری است و باعث می شود که افراد مدام همین اشتباه را تکرار کنند.

۲۱۵- اهداف معاملاتی شامل چند مرحله است نخستین و مهم ترین لایه حفظ سرمایه است ، هنگامی که به یک معامله نگاه می کنیم از خود نمی پرسیم " سود احتمالی چقدر خواهد بود " بلکه می پرسیم " ضرر احتمالی که ممکن است متحمل شوم چقدر است ". دوم اینکه ، با برقراری تعادل میان ریسک و سودها یا ضررهای تجمعی ام سعی می کنیم که سود آوری پایداری داشته باشیم. پایداری بسیار مهم تر از کسب درآمدی کلان است . سوم هنگامی که در دستیابی به دوهدف نخستم موفق شدم تلاش می کنم که به سود خیلی بالا دست یابم من این کار را با افزایش حجم معامله ، و تنها پس از دوره های سودآوری بالا ، انجام می دهم .
عامل اصلی در کسب ثروت حفظ سرمایه وانتظار کشیدن تا رسیدن زمان مناسب برای به دست آوردن سودهای استثنایی است .

۲۱۶- نباید بگذارید دادوستد کل زندگی تان را بگیرد . باید اوقاتی از آن دور شوید و وقت تان را با افرادی که دوست شان دارید سپری کنید .باید در زندگی تان تعادل ایجاد کرد.
معامله گران شاید پول بیشتری به دست آورند اما لذت زندگی ای متعادل ، متنوع ورضایت بخش را از دست می دهند.

۲۱۷- عامل بسیار مهم در موفقیت یک معامله گر توانایی اقرار به اشتباهات است . کسانی که عزت نفس خود را با پیش بینی درست در بازار گره می زنند هنگامی که رفتار بازار نشان می دهد که اشتباه کرده اند به سختی ضرر را می پذیرند.

۲۱۸- در هیچ کاری جایی برای حقه بازها وجود ندارد . تفاوت در پاداشی است که فرد در قبال یک عمل ناصادقانه به دست می آورد.

۲۱۹- اگر خودمان کارمان را پاکسازی نکنیم ، کسی دیگری این کار را خواهد کرد ونتیجه اش راضی مان نخواهد کرد به جای اینکه از یک کارد تیز استفاده کنند ، معمولا با اره ای کند کار می کنند.

۲۲۰- بسیاری از افرادی که خود را موفق جا می زنند شکست خورده های واقعی هستند.

۲۲۱- خدا بازار را دستکاری نمی کند من معامله گری را می شناسم که فکر می کرد این طور است . ورشکست شد.

۲۲۲- یک معامله گر موفق باید بتواند حرص را در خود تشخیص دهد و آن را کنترل کند اگر هنگامی که سود می‌برید ذوق زده می‌شوید و هنگامی که ضرر می‌کنید افسرده می‌شوید بازار جای شما نیست .

۲۲۳- باید بتوانید در بازاری آکنده از ترس ، به روشنی فکر کنید و قاطعانه رفتار کنید . بازارهایی که آشفته می‌شوند بازارهایی هستند که بهترین فرصت ها را می‌توان در آنها یافت .

اصولا در بازاری که دچار آشفتگی می‌شود حتی معامله گرهای حرفه ای هم ترجیح می‌دهند وارد نشوند . این فرصتی است که شما برای کسب سود دارید . " هنگامی که بقیه وارد بازار نمی‌شوند اگر حواس تان را جمع کنید می‌توانید پول حسابی به دست بیاورید"

۲۲۴- توانایی در تفکر روشن و منطقی و اینکه بتوانیم هنگامی که بقیه دچار ترس شده اند شجاعت به خرج بدهیم از عوامل موثر در موفقیت بازار است .

باید بدانید که هنگامی که بازار از کنترل خارج می‌شود چه کاری می‌خواهید بکنید در کل ذات انسان بدین گونه است که دچار تردید می‌شود.

۲۲۵- زمانی در کار دغل بازی صورت می‌گیرد که افراد با خودشان صادق نباشند. به باور من بیشتر دزدها و خلاف کارها آن قدر به خود دروغ گفته اند که خودشان هم باورشان می‌شود.

۲۲۶- اگر خیلی روی ریسک نکردن روی سودهای تان تمرکز کنید نخواهید توانست سود کلانی ببرید.

۲۲۷- جایی سرمایه گذاری نکنید که نمی‌دانید چه کار می‌کنید. عملکرد گذشته ، نتایج آینده را تضمین نمی‌کند.

۲۲۸- کسی نمی‌تواند پولی به دست بیاورد ، مگر اینکه مایل به از دست دادن آن باشد. اگر پولی که بتواند آن را از دست بدهد و شب آسوده نخوابد بازار جای تان نیست . توانایی پذیرش ضرر از عوامل پایه ای است که در توانایی در کسی سود در بازار اثر دارد.

۲۲۹- بهتر است احمق باشیم و سود بگیریم تا اینکه تیز باشیم و ضرر کنیم .

۲۳۰- کار (بازار) واقعا لذت بخش است چون چالشی بی پایان است و معمايست که همواره تغییر می‌کند.

۲۳۱- معامله گر های موفق بیشتر تمایل به احساسات درونی خود دارند تا اینکه کاملا بر اساس تحلیل عمل کنند.

۲۳۲- فروتنی معامله گر خوب را از دیگران متمایز می کند یعنی هنگامی که خطایی را مرتکب می شود بتواند به آن اقرار کند.

۲۳۳- اگر بتوانید کارآمد ترین فرد باشید همواره فرصت سود خواهید داشت شاید همیشه این طور نباشد اما در درازمدت چنین است .
تفکر نوآورانه از تحلیل های پیچیده هم نیرمند تر است .

۲۳۴- یک بازار ساز باهوش کسی است که ریسک را منتقل می کند.

۲۳۵- هرگاه که هیچ کس نمی خواهد وارد بازار شود ، زمانش فرا رسیده که دست به کار شوید.

۲۳۶- به جای اینکه به دنبال موقعیت هایی باشید که بتوانید از همه فرصت خود استفاده کنید به دنبال برتری های نظری و کوچک باشید.

۲۳۷- از تصورات نادرست در بازار: بسیاری از افراد تمایل دارند که به شایعات گوش کنند . خیلی علاقمندند بدانند چه کسانی می خردند و چه کسانی می فروشند . فکر می کنند این اطلاعات مهم هستند اما به ندرت به دردخور هستند.

۲۳۸- مهم ترین شرط ضروری برای دادوستد موفق این باشد که روشی را به کار بگیرید که دقیقاً تعریف شده باشد یا به دیگر سخن رویکردی داشته باشید که برای تان ایجاد برتری می کند .
اگر ندانید که روش کارتان چیست اصلاً روش ندارید . (همچنین خرید یک سهم به این دلیل که باجناب تان به شما پیشنهاد داده است روش نیست)

۲۳۹- اگر سیستم خوبی هم داشته باشیم با مدیریت سرمایه بد پول را از دست خواهیم داد.

۲۴۰- حتی اگر روش سودآوری دارید باید اعتماد کافی را به آن داشته باشید تا در دوره ضررده نیز به آن پای بند بمانید اما مهم است که میزان ریسک را با کم کردن حجم معامله پایین بیاورید تا نسبت میان ریسک و سرمایه تان تقریباً ثابت بماند.

۲۴۱- احتمال ورشکستگی همیشه بالاتر از احتمال افزایش ناگهانی وامید یک شبه است .

۲۴۲- احتمال حرکت کاهشی ناگهانی بسیار بیشتر از حرکتی افزایشی به همان اندازه است .

۲۴۳- نرخ معمولاً با سرعت و شدت بیشتری حرکت کاهشی انجام می دهد تا حرکت افزایشی .

۲۴۴- می توانیم هر فرد باهوش و تیزهوش را آموزش دهیم که معامله گر شود . معامله گرها ساخته می شوند ، آنها زاده نمی شوند.

۲۴۵- اگر خیلی محافظه کار شوید هیچ معامله ای انجام نخواهید داد و اگر خیلی هیجانی عمل کنید ضررهای بسیاری را متحمل خواهید شد راهش این است که میان این دو تعادل برقرار کنید.

۲۴۶- فکر نکنید که می توانید بازار را شکست دهید.

۲۴۷- تنوع بخشی تنها ناهار رایگانی است که می توان در وال استریت خورد.

۲۴۸- هر بازار یک ریتم دارد و کار ما معامله گرها این است که با این ریتم هماهنگ شویم. وقتی آن معاملات را انجام می دهیم در واقع معامله نمی کنیم ، معاملات انجام می شوند.

۲۴۹- نکته مهم این است که میان چیزی که می خواهید رخ دهد و چیزی که می دانید رخ خواهد داد تمایز قایل شوید حس درون می داند که چه چیزی رخ می دهد.

۲۵۰- در د ادوستد مانند تیراندازی ، هرگاه زور و فشار و یا تلاش کردن در کار بود نادرست است با بازار همگام و هماهنگ نیستید . معامله بی عیب و نقص معامله ای است که بدون تلاش انجام پذیرد.

۲۵۱- گونه های مختلف تحلیل بازار را می توان نقشه های گوناگونی از یک قلمرو دانست . معامله گرهای بسیار خوب نقشه هایی را پیدا می کنند که بیشترین نزدیکی را به قلمرو بازار دارند آن هم به گونه ای که برایشان کاربرد داشته باشد.

۲۵۲- تفاوت عمده میان معامله گران موفق و سایرین باورها می باشد . باور محض به عملی بودن موفقیت شان است . معامله گرهای بزرگ به توانایی شن در سودآوری بدون هیچ تردیدی ایمان دارند . ایمان و اعتمادی که با توانایی شان در بازار تایید شده است .

۲۵۳- معامله گران موفق استراتژی معاملاتی موثری دارند یعنی یک سری نمودار، تصویر ذهنی، واژگان و احساسات درونی که به هدف مطلوب منجر می شوند.

ممکن است که یک معامله گر مصمم عمل کند اما شاید بی تصمیمی معامله گر دیگری را فلج کند تفاوت در استراتژی آنها ست .

۲۵۴- از ویژگی های معامله گر موفق، مدیریت حالت هیجانی فرد می باشد. زیرا با هر چیزی رو به رو می شوند هرگاه که امور مطابق میل شان پیش نمی رود به جای آنکه هیجانی شوند آسوده می مانند و همگام با رویکردشان عمل می کنند. می دانند که باید از دید هیجانی خود را از احساساتی که نسبت به معامله خود پیدا می کنند جدا کنند. معامله گرهای بزرگ برای آنکه تعیین کنند که نیاز به اصلاح رویکردشان دارند باخونسردی بازخوردهای لازم را دریافت می کنند.

۲۵۵- یکی از موارد اختلاف در معامله گران " استعاره فعال " است که منظور دید ما نسبت به جهان چگونه است. چگونه باورهای خود را شکل می دهیم و شیوه زندگی ما چگونه است.

هر استعاره فعال ذهن معامله گر را به سوی دسته باورها و رویکردهای متفاوتی نسبت به بازار هدایت می کند که برخی از آنها از برخی دیگر کارآمد ترند. داشتن استعاره فعال هماهنگ با شیوه معاملاتی در دادوستد نقش بنیادی دارد.

۲۵۶- معامله گرها باید پیشرفت خود را بر پایه عملکرد گذشته خود بسنجند نه عملکرد معامله گرهای دیگر.

۲۵۷- معامله گرهای موفق یاد گرفته اند که از ریسک پرهیز کنند نه که در پی آن باشند. ضمناً شمار اندکی از آنها برای هیجان دست به داد و ستد می زنند.

یکی از شعارهای بزرگ معامله گران بزرگ، توانایی آنها در حفظ حالتی بدون هیجان و آسوده در هنگام دادوستد می باشد.

۲۵۸- شاید در زندگی خود به دنبال هیجان باشید اما آن را در دادوستد جستجو نکنید.

۲۵۹- یکی از چیزهایی که بیشترین ضربه ها را به فرد می زند این است که مدام در باره اشتباهات گذشته خود حرف بزند و به آنها بیاندیشد.

۲۶۰- بیشتر افراد به این خاطر می بازند که هیچگاه کارهای لازم را که برای موفقیت در دادوستد لازم است، ندارند

۲۶۱- دریافت افراد از حقیقت و واقعیت یکی نیست چیزی که اهمیت دارد سیستم باور فرد است نه حقیقت .

۲۶۲- برای گذار از یخ زدگی و ترس از انجام معامله ، باید تصویرهای تهدید کننده فاجعه اقتصادی را که از پیش در ذهن مانده پاک کرد و تصاویر جدیدی را از معامله گری شاد ، با اعتماد به نفس و موفق ، با رنگ های شاد طراحی کرد.

۲۶۳- چه چیزی باعث انجام معامله ضعیف می شود ؟ چه چیزی باعث ترس از ضرر می شود ؟ نداشتن طرح معاملاتی . این عامل پایه ای است که معامله گرهای ضررده را از معامله گرهای برنده جدا می کند.